

بررسی تطبیقی حج گزاری در حکومت فاطمیان مغرب و مصر

سیدناصر موسوی*

چکیده

فاطمیان (۵۶۷ - ۲۹۷ق) خلافتی شیعی بودند که پس از فعالیت‌های تشکیلاتی مخفی توسط سازمان دعوت اسماعیلیان و با استفاده از ظرفیت‌های موجود در میان قبایل بربر شمال آفریقا دولتی تشکیل داده و با فتح مصر و بنای شهر قاهره چشم‌انداز خود را در فتح شرق اسلامی آشکار کرده و به رقابت با خلافت عباسیان پرداختند. نگاه و عملکرد فاطمیان در دوره مغرب (۲۹۷-۳۶۲ق) و مصر (۶۳۲-۵۶۷ق) از چند جهت متفاوت بود. این تحقیق با روش تحلیلی و رویکرد تاریخی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این پرسش است که فاطمیان در دوره مغرب و مصر در خصوص حج گزاری و آیین‌های مربوط به حج و حرمین چه تفاوت‌هایی داشتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حج به عنوان نقطه اشتراک امت اسلامی و حرمین به عنوان مناطق مورد احترام همه مسلمانان بود؛ ولی این موضوع برای فاطمیان مغرب به عنوان حکومتی محلی دور از مرکز جهان اسلام و فاطمیان مصر به عنوان یک خلافت، امپراطوری رقیب عباسیان در یک پایه نبود. فاطمیان مغرب مشکلات

اجتماعی و درگیری‌هایی که با امویان اندلس داشتند و حج و حرمین در اولویت مسائل این دولت نبود؛ فاصله جغرافیایی از مرکز جهان اسلام نیز آن را تشدید می‌کرد. در مقابل، فاطمیان مصر به دلیل تثبیت در مرکز جهان اسلام و رقابت با عباسیان به تسلط سیاسی بر حج و حرمین و برگزاری آیین‌های اجتماعی مربوط به آن اهتمام داشتند. نگاه جهانی و اقدامات راهبردی ناشی از آن نیز در توجه به این مسأله مؤثر بود. از طرفی ضرورت مرزبندی با قرامطه و نزدیک شدن به افکار عمومی امت اسلامی - بویژه اهل سنت - نیز ایجاب می‌کرد به مسأله حج و حرمین اهمیت زیادی نشان دهند.

کلید واژه‌ها: فاطمیان، آیین‌های اجتماعی حج، مغرب اسلامی، مشروعیت، نگاه جهانی و اقدام راهبردی.

مقدمه

فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق) دولت و خلافتی شیعی بودند که در مغرب دولت تشکیل دادند و پس از ۶۵ سال و با ورود «المعز» (حک ۳۴۱ - ۳۶۵ق) چهارمین خلیفه فاطمی به شهر قاهره فصل جدیدی در دوره حاکمیت فاطمیان آغاز شد. فاطمیان اسماعیلی که به باطنی‌گری و تأویل‌گرایی شهرت داشتند یکباره مراسم و آیین‌های متنوع و متعدد به‌ویژه آیین‌های اسلامی و شیعی برگزار کرده و قوانین و مناسک شریعت، مورد توجه جدی ایشان قرار گرفت. این برنامه‌ریزی آگاهانه ناشی از قدرت فعالیت سازمان دعوت فاطمیان بود. از مهم‌ترین آیین‌های دوره فاطمیان، آیین‌ها و مراسم مربوط به حج بود که در دوره فاطمیان مغرب هیچ سالی برگزار نشد و در دوره فاطمیان مصر همه ساله به صورت مفصل و پررونق برگزار می‌شد. وضعیت برگزاری همه مراسم و آیین‌ها در همه دوره‌های حکومت فاطمیان یکسان نبود؛ عوامل بسیاری در تطور آیین‌ها و حتی تعطیلی مقطعی برخی از آنها در دوره‌های خاص مؤثر بود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به شرایط سیاسی دولت و فرهنگ عمومی مردم مغرب و مصر اشاره کرد. به طور کلی حج‌گزاری در دوره فاطمیان مغرب (۲۹۷-۳۶۲ق) جلوه‌ای نداشت؛ بسیاری از آیین‌ها از جمله آیین‌های اجتماعی مربوط به حج به دو دلیل انجام نمی‌شد:

یکی اینکه حرمین شریفین در اختیار عباسیان بود و فاطمیان هیچ سلطه‌ای در منطقه حجاز نداشتند و دیگر آنکه نارضایتی‌های داخلی به‌ویژه از جانب مالکیان و مشکلات مربوط به آشوب‌های داخلی که مهم‌ترین آنها شورش «ابویزید خارجی» بود همه توجه و توان نظامی دولت را گرفته و امنیت اجتماعی قلمرو فاطمیان را سلب کرده بود. مشکلات اقتصادی را نیز می‌توان به عنوان عامل تشدیدکننده شمرد (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۸۶)

آثار زیادی درباره فاطمیان مغرب و مصر منتشر شده که بسیاری از آنها به تاریخ سیاسی و تا حدودی به تاریخ اجتماعی و سیاست‌های دینی آنها پرداخته شده است. مهم‌ترین این آثار در خصوص فاطمیان مغرب الخلافة الفاطمیه بالمغرب (۲۹۶-۳۶۵ق/۹۷۵-۹۰۹م) التاریخ السیاسی و الموسسات از فرحات الدشرای و در خصوص فاطمیان مصر الدولة الفاطمیه فی مصر تفسیر جدید از ایمن فواد سید است. برخی پژوهشگران نیز به تفصیل به آیین‌ها و مراسم فاطمیان توجه کرده‌اند؛ مانند کتاب دو جلدی نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر از عبدالمنعم ماجد. به نظر می‌رسد بحث حج‌گزاری فاطمیان و نگاه تطبیقی به وضعیت حج در دوره فاطمیان مغرب و مصر حتی در میان آثار پژوهشگرانی مانند ماریوس کانار، پاولا ساندرز و عبدالمنعم ماجد که به صورت مستقل قصد پرداختن به آیین‌ها و مراسم فاطمیان را داشته‌اند مغفول مانده است. از نظر نگارنده دلیل آن به کم‌بودن و پراکندگی گزارش‌ها و اطلاعات منابع و نیز عدم توجه به پیامدهای مهم این وضعیت حج در ابعاد سیاسی و فرهنگی و مذهبی آن برمی‌گردد.

این مقاله بر آن است با توجه به تفاوت سیاست اجتماعی فاطمیان مصر و مغرب در حج‌گزاری و عوامل بی‌توجهی فاطمیان مغرب به امور حرمین و آیین‌های اجتماعی حج را بررسی کرده و به توصیف این آیین‌ها در دوره فاطمیان مصر بپردازد.

تفاوت فاطمیان مغرب و مصر در برگزاری آیین‌ها و مراسم

در عهد فاطمیان آیین‌ها و مراسم رسمی باشکوهی برگزار می‌شد. این مراسم و مواسم در ایام مشخصی از سال و طبق شیوه پیش‌بینی شده‌ای اجرا می‌شد. (عبدالمنعم ماجد، ۱۹۹۴م، ص ۲۵۸) این مراسم و آیین‌های مفاخره‌آمیز از ویژگی‌های

دولت فاطمی بود.^۱ به همین جهت برخی مورخان بخش قابل توجه و مهمی از آثار خود را به نقل و تحلیل آن اختصاص داده‌اند. (همان)

همچنین بعضی از این مراسم پس از سقوط فاطمیان در دولت‌های بعدی نیز ادامه یافت. (همان، ص ۴۴)

اینکه فاطمیان چگونه و از چه زمانی به برگزاری آیین‌ها رو آورده‌اند، به طور دقیق مشخص نیست. حکومت فاطمیان در دوره مغرب خالی از مراسم نبود. منابع از برخی مراسم، اعیاد و رسوم برگزار شده فاطمیان در مغرب خبر داده‌اند. اما این رسوم و آیین‌ها برنامه ثابت و مشخصی نداشت؛ افزون بر این، مستندات تاریخی نشان می‌دهد که فاطمیان مغرب با هوشیاری و توجه به جغرافیا و فضای فرهنگی مغرب بر سادگی و ساده‌زیستی تأکید بیشتری داشته‌اند و به همین دلیل از تجمل و صرف مبالغه زیاد برای جشن و یا مراسم رویگردان بودند. (منهاجی، ۱۳۷۸ش، صص ۳۳، ۳۵ و ۴۶؛ ماجد، ۱۹۹۴م، ج ۲، صص ۳۹-۴۰)

این تفاوت چشمگیر در دوران المعز خلیفه چهارم فاطمی - که هم در مغرب و هم در مصر خلافت کرده - به خوبی آشکار می‌شود. او هنگام خلافت در مغرب، زندگی ساده و بی‌آلایش خود را به سران قبایل نشان می‌داد و آنان را به ساده‌زیستی سفارش می‌کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۸۷) در حالی که در دوران سه‌ساله خلافت در مصر مبتکر برگزاری آیین‌ها و مراسم خاص فاطمیان بود؛ هرچند که این آیین‌ها و مراسم در دوره‌های بعد مفصل‌تر و کامل‌تر شدند، اما در واقع او بود که این حرکت شادی‌آفرین و نشاط‌آور - البته به جز مراسم عاشورا که عزاداری بود - را در قالب مراسم گوناگون بنیان نهاد. (ابن تغری. بی‌تا، ج ۴، ص ۷۹)

۱. «ارتبط تاریخ الدولة الفاطمية فی اذهان المصرین المحدثین بالافراح و اللیالی الملاح والاحتفالات و الولائم و اطایب الطعام و الحلوی و لایذکر اسم الفاطمیین الا ویتذکر الناس القطایف و الکنافة و الخشاف و طبق عاشورة و المسحراتی و فوانیس رمضان و مواکب الأطفال و هم یطوفون لخالواری یرددون (الاغنية المشهورة) «وحوی یا وحوی...» وکان المصریون قبل الغزو الفاطمی، مثل سائر الشعوب الإسلامية لا یقیمون لهذه المناسبات طقوساً أو مهرجانات»، (جمال بدوی، الفاطمية دولة التفاریح والتباریح، ص ۷)

جایگاه مکه و مدینه در دوره فاطمیان مغرب

برای همه مسلمانان مکه و مدینه مقدس و مهم بود؛ دولت‌ها علاوه بر تقدس دینی و جایگاه معنوی، به لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز نیازمند توجه به حرمین بودند و برای تسلط بر آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. میزان توجه به حرمین با میزان قدرت دولت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها نیز ارتباط داشت. دولت‌های محلی بویژه دولت‌هایی که به لحاظ جغرافیایی از مرکز جهان اسلام و حرمین شریفین دور بودند - نه انگیزه‌ای برای تسلط بر حرمین و نه امکانی برای توجه به اهداف دیگری در راستای استفاده از موقعیت حرمین داشتند. فاطمیان مغرب توجه چندانی به حرمین نداشتند. با در نظر گرفتن موقعیت سیاسی - اجتماعی فاطمیان مغرب می‌توان گفت شرایط ایشان هیچ اقتضایی برای توجه به حرمین نداشت. عوامل و زمینه‌هایی که باعث شد توجه به حرمین و حج در این دوره نادیده گرفته شود یا از اولویت مسائل مهم دولت حذف شود عبارتند از:

۱. مشکلات اجتماعی و فرهنگی

اساساً توجه به اموری مانند حرمین در اولویت اول دولت‌هایی که از مرکز جهان اسلام دور هستند نیست. این دولت‌ها تا مشکلات خود را در زمینه اقتدار سیاسی و رفاه اقتصادی و امنیت اجتماعی فراهم نمی‌کردند، زمینه لازم برای توجه به حرمین فراهم نمی‌شد. فاطمیان مغرب در طول شش دهه حکومت در شهرهای قیروان، مهدیه و منصوریه، هنوز به لحاظ سیاسی تثبیت نشده و به لحاظ اقتصادی در موقعیت پایدار قرار نگرفته بودند (ابن اثیر. ۱۳۸۵ش: ج ۸، صص ۴۲۲-۴۴۱؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۴، صص ۵۷-۵۲؛ ذیلابی، ۱۳۹۶ش، ص ۶۲)، وجهی نداشت که در آن موقعیت متزلزل و دور از ثبات به حرمین توجه کنند که هم هزینه بالایی داشت و هم از دولت انتظار نمی‌رفت و هیچ آورده سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی قابل توجهی برای فاطمیان به همراه نداشت.

علاوه بر این برگزاری مراسم - بویژه با هزینه‌های متوسط و بالا - نه با فرهنگ قبایل ساکن و نه با شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر مغرب همخوان بود. بیشتر مردم و قبایل ساکن در مغرب زندگی بیابانی یا روستایی داشتند و تعداد معدودی شهر مانند قیروان و فاس وجود داشت که نسبت جمعیت شهر به بقیه مناطق قابل توجه نبود. در این وضعیت که عمده مردم در پی فراهم کردن نیازهای اولیه زندگی خود هستند، برگزاری مراسم و هزینه کردن برای این امور نه توجیه اقتصادی و نه مطلوبیت فرهنگی داشت. به همین دلیل فاطمیان مغرب نه تنها در مسأله حج، بلکه در مراسم دیگر مانند اعیاد مهم دینی و قومی نیز که مطلوب و به لحاظ انسجام اجتماعی و کسب مشروعیت مفید بود، چندان جلوه‌ای نداشتند. برای مثال جشن غدیر که با هویت دینی و مذهبی فاطمیان گره خورده بود و از طریق آن کسب مشروعیت می‌کردند همه‌ساله در مصر برگزار می‌شد و حتی در برخی دوره‌های فاطمیان مصر یک دهه جشن می‌گرفتند؛ (مقریزی، ۱۴۱۸ق، صص ۲۰۶، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۳۹، ۳۷۰ و ۳۸۱) ولی در دوره مغرب خبری از این جشن نیست. این مطلب وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که در دوره المعز (حک ۳۴۱-۳۶۵ق) که هم در مغرب و هم در مصر خلافت کرده این تفاوت آشکارا مشخص است. او در ۲۰ سال اول خلافتش در مغرب جشن غدیر برگزار نکرد، ولی در دوره سه ساله در مصر هر سال جشنی باشکوه برگزار کرده است.

۲. مناسبات فاطمیان مغرب و امویان اندلس

از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی به حریم موقعیت فاطمیان مغرب نسبت به امویان اندلس و مناسبات متقابل این دولت‌های بزرگ بود. امویان اندلس دشمن اصلی و چالش بزرگ فاطمیان مغرب بودند که در طول حکومت فاطمیان در مغرب همواره به لحاظ اقتصادی و سیاسی و شورش‌های اجتماعی سعی می‌کردند فاطمیان را تحت فشار قرار دهند. امویان اندلس به جهت سابقه بسیار زیاد با مردم منطقه و قبایل ساکن در شمال آفریقا بویژه روابط اقتصادی مستمر با آنها متحدانی را در شمال آفریقا یافته و ساخته بودند که در دوره حکومت فاطمیان در مغرب از عوامل نفوذ و اعمال قدرت خاندان

اموی در شمال آفریقا محسوب شده و مشکلات جدی و مستمری را برای فاطمیان مغرب ایجاد می کردند. (محمد کامل حسین، ۱۹۵۰م، ص ۱۰۴) از مهم ترین دلایل عدم تثبیت فاطمیان در مغرب و ناامیدی از حکومت در مغرب، دشمنی ریشه دار امویان اندلس و نفوذ گسترده اجتماعی آنها در بدنه اجتماعی مردم شمال آفریقا و ایجاد یا حمایت از شورش های گسترده بود. به کارگیری فشار اقتصادی نیز تأثیر این اقدامات را دوچندان می کرد. (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۵۲)

با همه گسترده گی رقابت ها و دشمنی میان امویان اندلس و فاطمیان مغرب، (ابن خلکان، بی تا، ج ۵، ص ۳۷۲) دوری هر دو حکومت از مرکز جهان اسلام و فاصله جغرافیایی با حرمین شریفین موجب شده بود که هر دو حکومت امکان برخورداری از محاسن توجه به حرمین را نداشته باشند. بنابراین حرمین به عنوان یک موضوع برای رقابت مطرح نبود و شرایط استفاده برای دو طرف به یک اندازه مفقود بود. از این رو وقتی حرمین از محل نزاع دور بود هزینه کردن برای آن علاوه بر بی فایده بودن هزینه تراشی بیهوده و توجه به یک موضوع فرعی محسوب می شد که فاطمیان مغرب را از موضوعات اصلی و مهم دور می کرد.

۳. نگاه جهانی بدون اقدام راهبردی

برخی محققان معتقدند در میان ادیان الهی - بویژه ادیان ابراهیمی - تنها دین اسلام است که داعیه جهانی دارد و تنها اسلام به دنبال گسترش آن در سراسر جهان است. (عطیه صقر، ۱۴۰۸ق، صص ۱۶-۱۶۳) اعتقاد مسلمانان به گسترش و غلبه عدل اسلامی در پایان جهان از اعتقادات اصلی و مهم تمام فرق اسلامی است. این نگاه گسترده در میان اهل سنت به عنوان بزرگ ترین جماعت اسلامی از طریق خلافت و در میان شیعه از طریق امامت دنبال شده است.

فاطمیان مغرب و مصر در شیعه بودن و اعتقاد به مسأله محوری امامت به عنوان اصلی ترین آموزه شیعه در برابر حکومت های اهل سنت رقیب یعنی امویان اندلس و عباسیان بغداد مشترک بودند. نگاه کلی تشیع از جمله اسماعیلی از پنجره امامت

نگاهی فراگیر و جهانی است که معتقدند حکومت و قدرت پس از رسول خدا ﷺ متعلق به جانشینان معصوم و اهل بیت مکرم ایشان است و هیچ حکومتی در جهان غیر از حکومت امیرالمومنین علیه السلام و اولادش مشروعیت ندارد. (قاضی نعمان، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۲-۲۵۱) همچنین هدف دین اسلام گسترش عدالت در سطح جهان است و پایان جهان نیز به حکومت فردی از خاندان اهل بیت علیهم السلام ختم می شود و عدل و قسط را در جهان برقرار خواهد کرد. (همان، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۷۹)

حج به عنوان بزرگ ترین همایش مسلمانان از سرتاسر دنیا ظرفیت تقویت این نگاه جهانی و اتحاد برای توحید امت اسلامی را دارد؛ ولی فاطمیان مغرب و مصر به لحاظ موقعیت استفاده از این فرصت مغتنم برای اهداف سیاسی و دینی خود در یک سطح نبودند.^۱

فاطمیان مغرب این نگاه جهانی را داشتند که تنها حکومت مشروع هستند که باید بر همه سرزمین های اسلامی حکومت کنند و حکومت امویان اندلس و عباسیان بغداد نامشروع است؛ (همان، صص ۴۸۱ و ۵۰۴) هر چند زمینه اقدام جهانی برایشان فراهم نبود. آنها هنوز نتوانسته بودند پای خود را در منطقه محکم و شورش های نظامی متعدد و مخالفت های خونین مالکیان را خاموش کنند. بنابراین نمی توانستند نسبت به حرمین اقدامی کنند و از منافع آن بهره بگیرند.

داشتن نگاه فراگیر جهانی و ادعای مشروعیت خلافت و حکومت بر همه سرزمین ها لزوماً به معنای داشتن دورانیشی و اقدام راهبردی همه جانبه نیست. به همین دلیل، فاطمیان مغرب علیرغم داشتن این نگاه فراگیر، مرتکب اقداماتی شدند که چندان عقلانی و دورانیشانه نبود. به عنوان نمونه برخی دانشمندان اهل سنت به ویژه فقهای متعصب مالکی و مورخان مخالف فاطمیان مانند سیوطی معتقدند فاطمیان در مذهب خود متعصب بودند و آن را با اجبار و تهدید بر مردم تحمیل

۱. با مقایسه *الخلافة الفاطمیه بالمغرب* اثر فرحات الدشراوی و کتاب *الدولة الفاطمیه فی مصر*، تفسیر جدید از ایمن فواد سید به راحتی می توان شرایط این خلافت را در دو دوره مختلف و دو جغرافیای متفاوت مقایسه کرد.

می‌کردند و فقهای اهل سنت - به‌ویژه مالکیان و حنفیان - را با کشتن یا نفی بلد از صحنه خارج می‌کردند. (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۴) این رفتارها آنها را درگیر مشکلات داخلی کرد که به سختی توانستند شش دهه در مغرب حکومت کنند. آنها پس از انتقال به مصر از مغرب گسسته شدند و به صورت کامل آن را به «بنی زیری» تقدیم کردند. (الدشراوی، ۱۹۹۴م، ص ۴۰۳)

۴. فاصله جغرافیایی

فاصله جغرافیایی به تنهایی عامل کم‌توجهی فاطمیان مغرب به امور حج و حرمین نبود؛ ولی بدون حضور فیزیکی یا سلطه سیاسی یا حداقل قرابت سرزمینی نسبت به حرمین، عملاً زمینه و انگیزه‌ای برای ورود به این موضوع وجود نداشت. بنابراین اگر این مورد را عامل ندانیم دست کم توجه به حج و حرمین را از اولویت برنامه‌های فاطمیان خارج کرده بود.

دولت فاطمیان قبل از انتقال به مصر در مغرب اوسط حکومت می‌کردند و به مناطق وسیعی از مغرب اقصی نیز تسلط داشتند؛ ولی میان ایشان و حرمین مناطقی از شمال آفریقا و شبه جزیره عربستان فاصله بود. بنابراین فاصله جغرافیایی میان منطقه تحت سلطه فاطمیان تا محل حرمین بسیار زیاد بود و این فاصله عامل مهمی در عدم امکان استفاده از موقعیت حرمین برای دولت فاطمیان مغرب محسوب می‌شد.

آیین‌های اجتماعی حج

یکی از آیین‌های مهم که در طول دوره فاطمیان مصر پررونق و مستمر برگزار می‌شد مربوط به حرم الهی در مکه و حاجیان بیت الله الحرام بود. این مراسم در قالب تهیه و ارسال پرده مخصوص کعبه و بدرقه و استقبال حاجیان شمال آفریقا و مصر بود که در دوره فاطمیان مغرب هیچ‌گاه انجام نشد؛ زیرا نه سلطه‌ای بر حرمین داشتند که پوشش کعبه ارسال کنند و نه حج در اولویت برنامه آنها بود که برای آن برنامه‌ریزی کنند. برگزاری چنین مراسمی به لحاظ فرهنگی مطلوبیت نداشت؛ زیرا مردم قبایل

مغرب به طور عمده روستاییان و صحرائشینانی بودند که به لحاظ اقتصادی چندان در رفاه نبودند و با خُلق و خوی قبیله‌ای و اعتقادات خشک آنها مطابقت نداشت.

عباسیان برای فاطمیان مصر یک ابرچالش بودند که جلوه‌های آن در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی موجب رقابت‌های دامنه‌داری مانند رقابت در مسأله حج شده بود. چالش‌های مربوط به حج از جانب فاطمیان در دو حوزه دنبال می‌شد: یکی رقابت سیاسی در سلطه و سیادت بر حرمین به عنوان عامل مشروعیت‌بخش در جهان اسلام؛ دیگری رقابت فرهنگی در ترویج نمادهای فاطمیان که در آیین‌های اجتماعی جلوه‌گر شده بود.

استمرار رقابت فاطمیان و عباسیان تنها به خاطر توسعه قلمرو جغرافیایی نبود. این سلطه از طرفی توجیه مشروعیت خلافت را در پی داشت^۱ و برای فاطمیان از جهتی دیگر مهم بود و آن اینکه مدفن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مدینه بود. شخصیتی که این خلافت نامش را از وی گرفته و خلفای آن، خود را از نسل آن بزرگوار می‌دانستند. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱ش، صص ۱۰۳ و ۲۲۶)

۱. آیین ارسال پرده کعبه

امروزه پرده کعبه در مکه و در کارخانه‌ای خاص تهیه شده و هر سال در موسم حج و همزمان با روز عرفه پرده سال قبل با پرده جدید تعویض شده و سپس در قالب قطعات کوچک‌تر، به شخصیت‌های برجسته جهان اسلام اهدا می‌شود. در دوره فاطمیان این پرده در مصر تهیه شده و در قصر به نمایش گذاشته می‌شد و بعد از آن توسط نظامیان فاطمی به مکه ارسال می‌شد. اینکه فرستادن پوشش کعبه از قاهره به مکه در چه ایامی از سال انجام می‌شد اطلاعات دقیقی در منابع نیست ولی زمان نصب آن مشخص و معلوم بود. ظاهراً برنامه‌ریزی به صورتی بوده که قبل از ایام حج در دهه اول ذیحجه در مکه حاضر باشد

۱. زیرا در آن زمان چنین شهرت یافته که امیرالمؤمنین واقعی کسی است که مالک حرمین شریفین در مکه و مدینه بوده و نامش بر منابر آن دو شهر برده شود. (ر.ک: ۱۳۸۵ش، ص ۱۳) سلیمان الخرابشه.

و مقدمات نصب آن فراهم گردد. بر اساس گزارش‌ها هر سال در روز عرفه این پوشش مجلل را در ایوان قصر کبیر در قاهره نصب می‌کردند و پس از نمایش به همراه نظامیان به مکه فرستاده می‌شد. (عبدالمنعم ماجد، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۱۳۰) گرچه اطلاعات ریز و جزئی از نحوه آیین‌ها و مراسم مربوط به تجلیل از پرده کعبه و نحوه ارسال آن در منابع موجود نیست، اما به این مطلب مهم تأکید دارند که این پرده پس از آماده‌شدن در قصر افراشته می‌شد و بزرگان دولت که احتمالاً شامل بزرگان دینی و صاحب‌منصبان دولتی بود در کنار آن جمع شده و با احترام زیاد آن را به سوی مکه ارسال می‌کردند. پرده به همراه تعداد زیادی از حاملان و محافظان به صورت پیاده از میان شهرها و روستاها حرکت می‌کرد. مردم نیز با تجلیل از این گروه و احترام به پرده از آن استقبال و سپس بدرقه می‌کردند. (حسن ابراهیم حسن، ۱۹۶۳م، ص ۱۶۶)

حتی در سال‌هایی که حاجیان به جهت قحطی یا ناامنی به مکه نمی‌رفتند، فرستادن پوشش استمرار داشت. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۱) «الفاطمیون فی مصر- یرسلون الکسوة إلى الکعبة و یضفون علی هذه البلاد مشیئاً غیر قلیل من الاجلال حتی اضاعوا نفوذ العباسیین فیها». (حسن ابراهیم حسن، ۱۹۶۳م، ص ۱۶۶) این پوشش که به «الشمسیه» و «الشمسه» نیز شهرت داشت از پارچه‌های مشهور طراز^۱ تهیه می‌شد. (قلقشندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶۷؛ مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۷) ابعاد پارچه ۱۲ و ۱۲ در ۱۲ و ۱۲ وجب با زمینه‌ای از دیبای سرخ بود. اطراف این پارچه ۱۲ هلال طلایی، در هر هلال ترنج طلایی نقش برجسته و در هر ترنج ۵۰ مروارید بزرگ به اندازه تخم کبوتر قرار داده بودند. همچنین در آن از یاقوت‌های سرخ، زرد و کبود استفاده می‌شد و اطراف آن با زمرد سبز آیات حج نوشته شده بود. در میان این نوشته مروارید بزرگی بود که نظیر آن دیده نشده بود. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۴۹)

در میان این پوشش مشک خوشبویی به نام «شمسیه» تعبیه شده بود و مردم آن را به نظاره می‌نشستند. این پوشش چنان بزرگ بود که از خارج قصر نیز دیده می‌شود. (همان) در این

۱. برای مطالعه بیشتر درباره طراز، ر.ک: زکریایی ایمان کرمانی، و رهرو اصفهانی لیلا، «گونه‌شناسی پارچه‌های طراز دوره فاطمیون مصر بر مبنای مؤلفه‌های قالب اصلی، نقوش و ترکیب‌بندی»، نشریه نگارینه (هنر اسلامی)، پیاپی ۹ (بهار ۱۳۹۵)؛ فریده طالب‌پور، کارکردهای طراز در دوره فاطمیان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵

پوشش سی هزار مثقال طلا، بیست هزار درهم سوراخ شده و شش هزار قطعه جواهر از همه نوع و رنگ به کار می‌رفت. (همان، ج ۲، ص ۲۵۰) این پرده به جهت سنگینی زیاد توسط عده‌ای از فراشان، روی زمین کشیده و سپس نصب می‌گردید. (همان، ص ۲۴۹)

فاطمیان هر سال دو بار پردهٔ کعبه را که بسیار زیبا بافته و با جواهرات گران‌قیمت آراسته شده بود، تهیه و پس از مراسم خاصی در قاهره توسط کاروانی به مکه می‌فرستادند.^۱ پوشش کعبه در شهر «تنیس» بافته می‌شد که یکی از شهرهای مهم اقتصادی بود که در آن لباس‌های فاخر از پارچه‌های متنوع، قیمتی و نقش و نگاردار تولید می‌شد. (یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ۱۷۶)

با اینکه رنگ سفید نماد فاطمیان بود ولی در دو مورد از رنگ‌های دیگر استفاده می‌شد: یکی در عید قربان که خلیفه از لباس، عمامه و مظه (سایبان)، سرخ استفاده می‌کرد و دیگری در پرده کعبه. لباس سرخ خلیفه در عید قربان به جهت تناسب با این عید و تفاوت داشتن با عید فطر بود؛ اما در خصوص پرده از رنگ سفید استفاده نمی‌کردند تا با صراحت و به صورت مستقیم نماد خود را تبلیغ نکنند. این کار می‌توانست نگاه جامعه اسلامی به خلفای فاطمی را از جایگاه خلافت مسلمین به رهبر دولت قاهره تقلیل داده و موجب لجابت و تمرد و احیاناً اظهار نارضایتی از طرف غیر شیعیان گردد. به همین دلیل با وجود اینکه از رنگ سفید استفاده نمی‌کردند ولی از رنگ سرخ که رنگ دوم فاطمیان بود استفاده کرده و با رنگ‌های سبز و زرد آن را می‌آراستند.

۲. آیین بدرقه و استقبال حجاج

این آیین شاد مورد تأکید فاطمیان مصر بود. بدرقه و استقبال زائران خانهٔ خدا میان مردم شور و هیجان خاصی ایجاد می‌کرد و به بهانه این مناسبت به برخی امور که از نظر اکثریت مردم (اهل سنت) غیر شرعی بود، مشاهده و موجب آزرده‌گی و ناراحتی می‌شد. هیچ‌یک از خلفای فاطمی به حج نرفته و در مکه حاضر نشدند؛ اما

۱. پوشش کعبه همان پارچه‌ای است که چهار دیوار کعبه را می‌پوشاند گاهی به جای آن، پرده کعبه یا جامه کعبه ترجمه تحت اللفظی کسوه الکعبه نیز گفته می‌شود. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۱)

برای حج اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و به برپایی آن اهتمام می‌ورزیدند. دولت فاطمیان از اواسط ماه رجب اعلامیه‌ای رسمی از طرف خلیفه منتشر می‌کرد که در مساجد قرائت می‌شد. بار دیگر در ماه رمضان همین بیانیه خوانده و حرکت کاروان حج با زاد و توشه و راحله اعلان می‌شد. «و عادت چنان بود که در اواسط رجب مثال سلطان در مساجد بخواندندی که «یا معشر المسلمین موسم حج می‌رسد و سیل سلطان به قرار معهود با لشکریان و اسبان و شتر و زاد معداً است. و در رمضان همین منادی بکردندی و از اول ذی‌قعدة آغاز خروج کردندی و به موضعی معین فرود آمدندی. نیمه ماه ذی‌قعدة روانه شدنندی» (ناصر خسرو، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۱)

خلیفه فاطمی در محل اجتماع حاجیان حاضر می‌شد؛ اما تاریخ دقیق این روز معلوم نیست و شاید یکی از روزهای میان ابتدا تا نیمه ذی‌قعدة باشد؛^۲ زیرا خروج حاجیان برای حج، نیمه ذی‌قعدة بود. (ناصر خسرو، همان)

عوامل توجه فاطمیان مصر به حج و حرمین

این عوامل و تأکید ایشان بر استمرار آیین‌های اجتماعی حج عبارتند از:

۱. تقویت مشروعیت خلافت و تحکیم اقتدار سیاسی

دولت فاطمیان که پس از مشکلات زیاد و جنگ‌های طولانی در مغرب و یا پنج سال پیاپی آماده‌باش برای استقرار در مصر، قدرت خویش را مستقر دیدند، به تلاش‌های همه‌جانبه جهت تحکیم قدرت، توسعه قلمرو، گسترش نفوذ و میزان مشروعیت در میان غیر اسماعیلی‌مذهب‌ها پرداختند. این تلاش‌ها در محورهای مختلف صورت می‌گرفت. لیکن فعالیت‌های فرهنگی فاطمیان بر همه اقدام‌های ایشان

۱. کلمه «معداً» در نسخه دیگر «معتاد» وارد شده و به معنای «معمول» و «معهود» است.

۲. همچنین این ابهام در عبارت ناصر خسرو نیز وجود دارد که آیا اجتماع و حرکت حاجیان در طول نیمه ذی‌قعدة یکبار بوده یا چند بار. سایر گزارش‌های مورخان نیز بیان چندان روشنی ندارد؛ اما درباره مکان کاملاً واضح و دقیق است.

سایه افکنده بود؛ طوری که با صراحت می‌توان گفت بیشتر فعالیت‌های فاطمیان در محورهای مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی با رویکرد فرهنگی بود.



حکومت فاطمیان در دوره مغرب بیشتر صرف جنگ‌ها و تثبیت دولت شد. در این دوره دولت از طریق توسعه آیین‌ها و شعائر درصدد تغییر عادات و ارزش‌های موجود جامعه بود. این تغییر موجب تغییر نگرش مردم به دولت و نوع حکومت فاطمیان می‌شد و سرانجام هدف اصلی و نهایی از برگزاری آیین‌ها و شعائر که همان حفظ و تقویت مشروعیت و نیز جامعه‌پذیری دولت بود به دست می‌آمد. گفتنی است که این فرآیند در دوره اول و دوم فاطمیان مصر وجود داشت و با فراز و نشیب استمرار یافت ولی در دوره پایانی رو به ضعف نهاد.

۲. نگاه جهانی به همراه اقدام راهبردی

بدون نگاه جهانی نمی‌توان به سوی اقدام راهبردی حرکت کرد اما صرف داشتن نگاه جهانی برای ورود به مرحله اقدام راهبردی، کافی نیست و بدون فراهم‌سازی مقدمات و ایجاد شرایط لازم از جهت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی در عرصه اقدامات نیز نمی‌توان موفق بود. فاطمیان مغرب از این موقعیت محروم بودند در حالی که فاطمیان مصر با افزایش اقتدار سیاسی و نفوذ و سلطه بر منطقه حجاز توانستند زمینه ورود به این عرصه را فراهم کرده و علاوه بر سلطه سیاسی و تعیین والی، اقداماتی را در جهت تقویت نفوذ اجتماعی و معنوی انجام دهند. (سلیمان الخرابشه، ۱۳۸۵ش، ص ۱۹)

در دوره مصر داشتن نگاه جهانی در کنار اقدامات راهبردی همراه با دوراندیشی نیز مشاهده می‌شود. محققان زیادی معتقدند که فاطمیان از ابتدای تأسیس در مغرب به فتح مصر و سلطه بر سرزمین‌های شرق اسلامی چشم داشته‌اند. این مطلب به روشنی در گفتار امام خلیفگان فاطمی مغرب نیز آمده است. دقیقاً به دلیل همین دوراندیشی بود

که به جای اندلس چشم به شرق داشتند و درصدد فتح مصر بودند. تلقی فاطمیان چنین بود که اگر به اندلس حمله و آنجا را تصرف کنند جهان اسلام به دو بخش «شرقی سنی» و «غربی شیعی» تقسیم می‌شود. (احمد مختار عبادی، بی‌تا، ص ۲۳۵) اما آنها نمی‌خواستند رقیب قدرتمندی برای عباسیان باشند، آنها در این فکر بودند که خلافت عباسی را ساقط و تنها خلافت اسلامی در تمام سرزمین‌های اسلامی باشند و چون خلافت عباسی مرکز خلافت جهان اسلام بود حمله به مصر و فتح آن را مقدمه تسلط بر سرزمین‌های اسلامی و قلمرو عباسیان قرار دادند. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۳۵؛ ناصری طاهری، ۱۳۷۵ش، ص ۵۷).^۱

از نشانه‌های اقدامات راهبردی و دوراندیشانه آنها سیاست‌های اجتماعی آنها در قبال زنان، اهل سنت و قبایل رقیب بود. (نریمان، عبدالکریم احمد ۱۹۹۲م؛ ذیلابی، ۱۳۹۶) فاطمیان مصر با ارائه خدمات اجتماعی متنوع و ایجاد رفاه عمومی و رسیدگی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و غیر اسماعیلیان توانستند اعتماد عمومی را به دولشان افزایش داده و مقبولیتی عمیق‌تر دست یابند. در این میان اهتمام به آیین‌ها و مراسم مربوط به حج و حاجیان و نیز توجه به وضعیت حرمین شریفین موجب شد چهره‌ای دینی از خود ارائه داده و صف خود را از قرامطه جدا کنند.

۳. اعلام پایبندی به فریضه حج و مخالفت با دیدگاه قرامطه

قرامطه دسته‌ای از اسماعیلیه بودند که بر اعتقاد خود مبنی بر امامت و مهدویت محمد بن اسماعیل باقی ماندند و امامت خلفای فاطمی را نپذیرفتند. آنها اقداماتی کردند که موجب تنفر مسلمانان اهل سنت و حتی شیعیان شد. مسلمانان را آزرده و سال‌ها حجرالاسود را از کعبه جدا و حج را تعطیل کرده بودند. مسعودی (۳۴۶ق)، صابی (۴۴۷ق) و مسکویه (۴۲۱ق) علاوه بر ذکر حوادث تلخ ناشی از قرامطه و اسماعیلیان، با تفصیل

۱. این شعر ابن هانی آندلسی نیز شاهد آن است:

تقول بنو العباس قد فححت مصرفقل لبني العباس قد قضی الامر و قد جاوز الإسکندریه جوهر
تصاحبه البشری و يقدمه النصر.

بیشتری به همه عقاید آنها و نقش آنها در علوم به‌ویژه فلسفه و روابط اسماعیلیان با دیگر مسلمانان در مناطق مختلف پرداخته‌اند.

پس از فتح مصر و بنای شهر قاهره معزیه، هوشیاری المعز در شناخت تفاوت مغرب و مصر موجب شد او بتواند با وجود مشکلات بزرگی چون درگیری با قرامطه، برای برگزاری مراسم و آیین‌های گوناگون در دوران خلافت خود در مصر پافشاری کند. آخرین درگیری مهم فاطمیان با قرامطه در دوره العزیز (حک ۳۶۵-۳۸۶ق) بود. جمعیتی از ترکان در جریان درگیری‌های آنجا از بغداد به سمت شام فرار کردند. یک دسته از آنها جنگاوران ترک و تعدادی از دیلمیان بودند که به فرماندهی «افتکین» به دمشق هجوم برده و با کمک مردمان ناراضی شام، دمشق را به تصرف درآورده و حاکم فاطمی آن را بیرون کردند. فاطمیان لشکری به فرماندهی جوهر صقلی فرستادند تا این جنبش را سرکوب کند و فرماندار خویش را بر دمشق بگمارد. افتکین به کمک قرامطه «جوهر» را شکست داد. این بار العزیز لشکر جدیدی تجهیز کرد و خود فرماندهی آن را برعهده گرفت و توانست هم قرامطه و هم این دسته از ترکان (افتکین و یارانش) را شکست داده و به اسارت بگیرد. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۶۹)

قرامطه قدرت نظامی و خطر جدی چندانی در قبال فاطمیان نبودند؛ ولی از آنجایی که قرامطه و فاطمیان هر دو اسماعیلی بودند و دو شاخه از یک مذهب شمرده می‌شدند، معایب و نقایص قرامطه نیز به فاطمیان نسبت داده می‌شد. (فاطمه جان احمدی، ۱۳۹۲ش، صص ۷-۸) اقدامات قرامطه آنان را نزد بسیاری از مسلمانان از دایره اسلام خارج کرد و فاطمیان نمی‌توانستند از این پیامد ناگوار به راحتی خلاص شوند.

المعز با زیرکی و بازتعریف امامت بیشتر قرامطه را جذب کرد. (فرهاد دفتری، ۱۳۷۶ش، صص ۲۰۸-۲۰۷) در دوره حاکمیت کوتاه المعز در مصر توجه زیادی به آیین‌ها و مراسم شد؛ به‌طوری‌که او را مبتکر تمام آیین‌های فاطمیان می‌دانند. (ابن تغری، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۹) در امان‌نامه جوهر هم تأکید بر برپایی فرائض و آداب

دینی مثل حج، جهاد، نماز، روزه، رمضان و جشن عید فطر مشاهده می‌شود. (صنهاجی، ۱۳۷۸ش، صص ۶۹-۶۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۹۷) این تأکیدات بر انجام واجبات دینی به ویژه حج و نیز مراسمی چون عید فطر و عید غدیر خم و مانند آن می‌تواند در جهت مقابله با قرامطه باشد که مسلمانان را آزرده و حج را تعطیل کرده بودند. (حسن ابراهیم حسن، ۱۹۶۳ق، ص ۱۰۴)

مخالفان اسماعیلیه در قرن سوم و چهارم که در وسط میدان مبارزات و رقابت‌های سیاسی با اهل سنت بودند سعی کردند با یکی‌انگاشتن فاطمیان و قرامطه نشان دهند که اسماعیلیه به طور کلی اعتقادات درستی ندارند و نسبت به آداب و احکام اسلامی و شرعی اهتمام و پایبندی ندارند. (محمدعلی چلونگر، ۱۳۸۰ش، صص ۱۳۳-۱۳۱) فاطمیان سعی کردند که این امر را با درایت اصلاح کنند؛ یکی از راه‌های مقابله با تبعات منفی اقدامات قرامطه و شیوه‌های نزدیک کردن و جلب اعتماد مسلمانان غیراسماعیلی برگزاری آیین‌های اجتماعی حج و اصرار بر استمرار آن در طول دوره حکومت بود تا از این طریق اثبات کنند که در امور شرعی و مناسک دینی تقید دارند.

نتیجه‌گیری

امامان (خلفای) فاطمی با استفاده از انتساب خود به حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام و زمینه ایجاد مشروعیت خلافت جدیدی را فراهم کردند و بر پایه آن دولت فاطمیان در مغرب تأسیس شد. فاطمیان مغرب به دلایل مختلف به آیین‌ها و مراسم به طور کلی اهتمام نداشتند؛ ولی در مصر از همه ابزار و امکانات از جمله برگزاری گسترده آیین‌ها و مراسم در صدد تثبیت و تقویت موقعیت خود سود جست. در دوره فاطمیان مغرب حج‌گزاری و توجه به حرمین از اولویت مسائل فاطمیان مغرب نبود؛ زیرا مشکلات داخلی، مناسبات خاص با امویان اندلس مسائل اصلی فاطمیان و رقیب‌شان را تشکیل داده بود. آنها پس از فتح مصر در مقابل عباسیان قرار گرفته و از قدرتی منطقه‌ای به قدرتی جهانی تبدیل شدند. بنابراین نمی‌توانستند در خصوص

حج گزاری و حرمین بی تفاوت باشند یا آن را از اولویت خارج کنند. از این رو به سرعت حرمین را تصرف کرده و مراسم اجتماعی حج، شامل آیین تهیه و ارسال پرده کعبه و مراسم بدرقه و استقبال از حجاج و زائران حرمین شریفین را همه ساله تا پایان دولت برگزار می کردند. فاطمیان مصر با عنایت به امور حرمین و برگزاری مراسم، اقتدار سیاسی خود را افزایش داده و نفوذ فرهنگی و معنوی خود را میان مسلمانان می افزودند و از مشروعیت خلافت عباسی نیز به عنوان مهم ترین رقیب دینی و سیاسی خود می کاستند. توجه به حج و مراسم و آیین های آن از جهت دیگری نیز برای فاطمیان اهمیت داشت تا از اتهام اباحی گری و اقدامات ضد اسلامی قرامطه در حمله به حرمین شریفین و به سرقت بردن حجرالاسود توسط قرامطه براءت جسته و موضع و جبهه خود را در پایبندی به شریعت - به ویژه فریضه حج - اعلام کنند و مرز خود را با قرامطه آشکار سازند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.
۲. ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی الاتابکی (بی تا)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
۳. ابن جوزی (۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م)، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۴. ابن خلکان، (بی تا)، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس، دارالثقافة، اللبنا.
۵. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دارالفکر، ط الثانية.
۶. نریمان عبدالکریم، احمد، (۱۹۹۲م)، المراه فی مصر العصر الفاطمی، الهيئة

المصرية العامة للكتاب، بی جا.

۷. بدوی، جمال، (۲۰۰۸م)، الفاطمیه دوله التفاریح و التبارع، مصر، دارالشرق.
۸. جان احمدی، فاطمه و رضا دشتی، «قرامطه بحرین مسأله امامت»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان، شماره ۱۳
۹. چلونگر، محمد علی (۱۳۸۰)، نقد و بررسی اباحی‌گری فاطمیان و گرایش به ایشان»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲۶-۲۷
۱۰. حسن، حسن ابراهیم (۱۹۶۳م)، المعز لدين الله، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية، چاپ دوم.
۱۱. حسن، علی ابراهیم (۱۹۶۳)، تاریخ جوهر الصقلی قائد المعز لدين الله الفاطمی، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية.
۱۲. حسین، محمد کامل (۱۹۵۰م)، فی ادب مصر الفاطمیه، مصر، دارالفکر العربی.
۱۳. الخرابشه، سلیمان (۱۳۸۵ش)، رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین، ترجمه رسول جعفریان، تهران، نشر مشعر.
۱۴. دشرای، فرحات (۱۹۹۴م)، الخلافة الفاطمیه بالمغرب (۲۹۶-۳۶۵ق/۹۰۹-۹۷۵م) التاريخ السياسی و المؤسسات، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۱۵. دفتری، فرهاد (۱۳۷۶ش)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، چاپ دوم.
۱۶. ذیلابی، نگار (۱۳۹۶ش)، فاطمیان از خشونت تا رواداری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۷. سید، ایمن فواد (۱۹۹۲ش)، الدولة الفاطمیه فی مصر تفسیر جدید، مصر، الدارالمصریه اللبنانیه.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن عثمان (۱۴۱۸ق)، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهرة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۹. صقر، عطیه (۱۴۰۸ق)، الدین العالمی و منهج الدعوة الیه، بی جا، الازهر مجمع البحوث الاسلامیه.
۲۰. صنهایجی، ابی محمد بن حماد (۱۳۷۸ش)، تاریخ فاطمیان (ترجمه اخبار ملوک

- بنی عید)، ترجمه حجت الله جودکی، تهران.
۲۱. عبادی، احمد مختار (بی تا)، فی التاریخ العباسی و الفاطمی، بیروت، دارالنهضة العربیة.
۲۲. قاضی النعمان، ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۴۱۷ق)، المجالس و المسایرات، بیروت، دارالمتنظر.
۲۳. قاضی النعمان، نعمان بن محمد (۱۴۲۷ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی، بی تا، صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۵. ماجد، عبدالمنعم (؟)، ظهور الخلفه الفاطمیة و سقوطها، القاہرہ، دارالفکر العربی.
۲۶. ماجد، عبدالمنعم (۱۹۸۵م)، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، القاہرہ، مکتبه الانجلو مصریہ.
۲۷. مقریزی، ابوالعباس تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۲ق)، اتعاظ الحنفا باخبار الائمة الفاطمیین الخلفا، تحقیق محمد عبد القادر احمد العطا، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
۲۸. مقریزی، تقی الدین ابوالعباس احمد بن علی بن عبدالقادر العییدی (۱۴۱۸ق)، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
۲۹. ناصر خسرو قبادیانی مروزی (۱۳۸۱ش)، سفرنامه، تهران، انتشارات زوار، چاپ هفتم.
۳۰. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵ش)، مقدمه ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۲۲ق)، البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیہ.